

زیارت عراق، پدیده‌ای فرهنگی با ابعاد سیاسی؛

برشی از مناسبات سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار

رسول عربخانی / استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور / rasoularabkhani@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶

چکیده

پدیده زیارت شهرهای مقدس عراق در دوره قاجاریه، به عنوان یکی از نقاط اتصال جامعه ایران و عثمانی تلقی می‌گشت. اگرچه این پدیده تا پیش از دوره قاجار، با ابعاد فرهنگی اجتماعی و اقتصادی خود هم‌چنان وجود داشت، در این دوره تحت تأثیر برخی عوامل نظیر افزایش تعداد زوار، رواج مناسبات دیپلماتیک میان دولت‌ها و نیز تحولات منطقه‌ای، ابعاد سیاسی نیز به خود گرفت و به مسأله‌ای پیچیده و تأثیرگذار در روابط ایران و عثمانی تبدیل شد. قرار گرفتن عراق شیعه در داخل مرزهای دولت عثمانی و همسایگی این خطه با دولت و جامعه شیعی ایران که سالانه هزاران نفر از اتباع آن برای زیارت اماکن مقدسه عراق راهی آن‌جا می‌شدند، پیامدهای سیاسی - اجتماعی فراوانی را به وجود می‌آورد و چالش‌هایی را در مناسبات سیاسی دولتین ایجاد می‌کرد. موضوع بدرقتاری مأموران محلی عثمانی - که چندان هم فرمان‌بری از باب‌عالی نداشتند - با زوار، از عوامل همیشگی نارضایتی دولت و جامعه ایران از عثمانی‌ها بود که در این زمینه تلاش‌های دیپلماتیک متعددی برای رفع این مسأله صورت گرفت. موضوع مقاله حاضر، پرداختن به ابعاد مسأله زیارت عتبات عالیات و چگونگی تأثیر آن در مناسبات سیاسی دولت‌های ایران و عثمانی در عصر قاجار با تکیه بر اسناد و گزارش‌های عثمانی است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، عراق، عتبات عالیات، ایران، عثمانی، قاجاریه.

مقدمه

یکی از راه‌های حضور ایرانیان در عتبات عالیات که به مرور زمان زمینه سکونت همیشگی بسیاری از آن‌ها را در عراق فراهم آورد، زیارت و بازدید اماکن مذهبی بود. بسیاری از شیعیان ایرانی، به واسطه اهمیتی که برای امامان شیعه خود قائل بودند، زیارت آرامگاه‌های آنان را برای خود یک تکلیف دینی تلقی می‌کردند. زیارت عتبات عالیات، از شعائر و نزد شیعیان دارای ارزش فراوان بود. به اعتقاد شیعیان، با زیارت روضه مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام و شفاعت آن حضرت، گناهان آدمی بخشیده می‌شود و از این رو، می‌کوشیدند هر طور شده خود را به کربلا برسانند یا بعد از مرگ جنازه آن‌ها را به نجف یا کربلا و یا هریک از شهرهای عتبات انتقال داده، در جوار امامان شیعه دفن نمایند. (مشایخ فریدنی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۱) علاوه بر این، عراق در مسیر راه منتهی به مکه بود. بنابراین فریضه اسلامی، هر مسلمان که توانایی مالی داشته باشد، باید در عمر خود یک بار به سفر حج برود. راه حجاز برای زائران ایرانی که از راه خشکی می‌رفتند، از عراق و خاک عثمانی بود. حجاج ایرانی در مسیر راه، مدتی را نیز در عراق می‌گذرانیدند و در فرصت پیش‌آمده، مقابر امامان را نیز زیارت می‌کردند.

در یک دسته‌بندی کلی، مسافران ایرانی که به عتبات عالیات مسافرت می‌کردند به چهار دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول زواری که به قصد زیارت شهرهای مقدس به سرزمین عراق می‌رفتند. دسته دوم بازرگانان و تجاری که به قصد تجارت و دادوستد راهی شهرهای مقدس می‌شدند. دسته سوم زواری که با عزیمت به عتبات عالیات، اجساد مردگان خود را برای تدفین در جوار مرقد امامان شیعه حمل می‌کردند. بر اساس آمار وزرات خارجه ایران، هر سال حدود بیست هزار جنازه از ایران به عتبات عالیات حمل می‌شد که از هر جنازه دوازده قران در خانقین می‌گرفتند. برای دفن در قبرستان‌های عمومی کربلا و نجف نیز از هر جنازه هشت تا چهارده قران می‌گرفتند. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۰ق، کارتن ۱۴، پرونده ۱۸۵) دسته چهارم حجاج ایرانی علاقه‌مندی

بودند که هنگام عزیمت به مکه، در مسیر، عتبات عالیات را نیز زیارت کرده، سپس به مکه می‌رفتند. یکی از ابعاد زیارت ایرانیان از عتبات عالیات، منافع اقتصادی آن برای عثمانی و به‌ویژه برای عراق بوده است. حضور ایرانی‌ها و تجارت آن‌ها در عراق، بازرگانی داخلی عراق را رونق می‌بخشید. تخمین زده شده است که زائران ایرانی سالانه به طور متوسط پنجاه میلیون دینار در عراق هزینه کرده‌اند. (لباف، ۱۳۵۲، ص ۲۹) کاهش آمار زائران ورودی ایرانی به عراق که به واسطه اغتشاشات کربلا و سامرا در سال ۱۲۹۵ صورت گرفت، باعث کساد اقتصادی و کم‌رونی در عتبات عالیات شد. (اختر، ۱۲۹۵ق، ش ۲۳) در این میان بیش از هر چیز رفتارهای مأموران عثمانی در عراق، موضوع زیارت ایرانیان را تحت تأثیر قرار می‌داد و پیامدهای سیاسی پر دامنه‌ای را در روابط میان دولتین فراهم می‌آورد؛ به طوری که یکی از موضوعات مهم مناسبات سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجار و مندرج در معاهده‌نامه‌های منعقد، علاوه بر مسائل مرزی، مسأله بدرفتاری عمال عثمانی ولایت بغداد با زوار بود که تا پایان دوره قاجار، همواره به عنوان یکی از زمینه‌های مورد اختلاف با ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باقی ماند.

نحوه عزیمت ایرانیان به زیارت عتبات عالیات

مسافرت برای زوار ایرانی از دو راه ممکن می‌شد: یکی راه کرمانشاه، دیگری راه خرمشهر. اولی راه خشکی بود، دومی راه آبی. اکثر زائران مرکز، شرق و شمال ایران از مسیر اول به خانقین می‌رفتند. زائران نواحی جنوبی ایران از راه آبی خرمشهر - بصره استفاده می‌کردند که به آن‌ها نزدیک‌تر بود. زوار در کرمانشاه جمع می‌شدند و از مسیر قصر شیرین به خانقین و سپس به بغداد می‌رفتند. آن‌ها به دلیل احترامی که برای کربلا و زیارت مرقد امام حسین علیه السلام قائل بودند، پس از ورود به عراق ابتدا به زیارت کربلا، سپس به نجف اشرف و دیگر اماکن مقدس عزیمت می‌کردند. (عادلی، ۱۳۲۸، ص ۱-۲) از خصوصیات راه کرمانشاه به عتبات عالیات، مشکلات و دشواری‌های زیادی بود که زوار ایرانی در این مسیر تحمل

می‌کردند؛ مانند فشارهای مأموران مرزی عثمانی، دریافت گمرک و تذکره از زوار ایرانی، مسأله بهداشت و قرنطینه، سختی راه و ناامنی مسیر. بیش‌ترین فشار از قصر شیرین تا خانقین وارد می‌شد. ادیب‌الممالک از رجال قاجاری که از این مسیر به عتبات عالیات رفته، در این باره می‌نویسد:

از قصر شیرین تا خانقین پنج فرسنگ است و راهش ناهموار و دره و سنگ. زوار را در آن منزل اذیت و آزار می‌کنند و اموال ایشان را به سرقت می‌برند....

البته در ادامه گفته که امنیت و راحتی آن به نسبت گذشته بیش‌تر شده است. (ادیب‌الممالک، ۱۳۶۴، ص ۱۶۳) اعتصام‌الملک از دیگر رجال دولتی نیز درباره این مسیر گفته که خالی از امنیت و همیشه پر از خطر راه‌زنان بوده است. با این حال خدا را شکر می‌کند که به او و خانواده‌اش در عبور از آن راه آسیبی نرسیده است. (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱، ص ۶۱)

در هر صورت عراق به عنوان بخشی از خاک عثمانی، جایگاه قبور ائمه و مقصد زیارت انبوه مسافران مشتاق مخصوصاً در ماه‌های محرم و صفر بود. قافله‌های حج هم از ماه شوال تا ذی‌القعدة، سفر خود را آغاز می‌کردند. آن‌ها پس از توقف در شهرهای نجف و کربلا، به مدینه و مکه ره‌سپار می‌شدند؛ بنابراین می‌توان تصور کرد که در این سفرها، تعداد زیادی از ایرانیان، حدود شش ماه از سال را در خاک عثمانی به سر می‌بردند. بسیاری از آنان در شهرهای مقدس اقامت می‌کردند. بعد از انعقاد عهدنامه دوم ارزروم و بر اساس صلحی که میان دو کشور ایران و عثمانی انعقاد یافت، رفت‌وآمد ایرانیان به آن منطقه افزایش یافت. توجه و تشویق شاهان قاجار، حکام و تجار ایرانی نیز موجبات رونق مراکز زیارتی عتبات عالیات و افزایش جمعیت ایرانیان علاقه‌مند به امامان شیعه در آن منطقه را فراهم آورد. بر اساس گزارش‌ها، تعداد ایرانیانی را که به عتبات عالیات می‌رفتند، البته به طور تقریبی می‌توان مشخص کرد. خورشیدپاشا با اتکا به دفاتر قرنطینه خانقین در حوالی سال‌های

۱۲۶۵-۱۲۶۶ هجری، تعداد زائران، تجار و متوفیان وارده از ایران را طی جدولی ثبت کرده است. در این جدول، تعداد ایرانیان وارد شده به خاک عراق، اعم از تجار و زوار ۵۲۹۶۹ نفر ثبت شده است. تعداد جنازه‌ها نیز که برای دفن به عتبات انتقال می‌یافتند ۳۱۷۶ جنازه ذکر شده است. (Mehmet Hurşid Paşa, 1997, s. 92) البته باید دقت کنیم که آمار خورشیدپاشا که بر اساس دفتر ثبت گمرک خانقین تنظیم شده، تنها شامل عابران قانونی است که با تذکره وارد عراق می‌شده‌اند. بسیاری دیگر از زائران، از راه‌های غیرقانونی و بدون تذکره از مرزهای مختلف وارد عراق می‌شدند. اگر این افراد را نیز در نظر آوریم، قطعاً تعداد مسافران ایرانی عتبات عالیات بسیار بیش‌تر از رقم خورشید پاشا می‌گردد. به گفته چارلز عیسوی، محقق تاریخ اقتصادی ایران قرن نوزدهم، تعداد ایرانیانی که سالانه به زیارت عتبات عالیات می‌رفتند، نزدیک به صدهزار نفر بود. (چارلز عیسوی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷) روزنامه فارسی‌زبان *اختر استانبول*، شمار ایرانیانی را که در چهارماهه اول سال ۱۳۰۶ هجری برای زیارت وارد عراق شده بودند، نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر اعلام کرده است. (اختر، ۱۳۲۶ق، ش ۲۱) روزنامه *حبل‌المتین* نیز بر اساس یک گزارش متعلق به سال ۱۳۱۱ هجری، تعداد مسافرانی را که هر روز به عتبات عالیات می‌روند حدود پانصد - ششصد نفر عنوان می‌کند. (حبل‌المتین، ۱۳۱۱ق، سال ۸، ش ۹)

رفتار حکومت عثمانی با زوار ایرانی و واکنش دولت ایران

نکته‌ای که باید در این بخش از بحث مطرح کرد، این است که تعداد زوار ایرانی بسته به کیفیت روابط ایران و عثمانی تغییر می‌کرد. هرگاه دو دولت روابط خوبی با هم داشتند، تعداد مسافران ایرانی افزایش می‌یافت، ولی هرگاه بین آن‌ها کدورتی پیش می‌آمد یا رابطه به سردی می‌گرایید، وضعیت سخت‌تری در عبور و مرور زوار به وجود می‌آمد و تعدادشان کاهش می‌یافت. با این حال، علاقه و اشتیاق فراوان ایرانیان به زیارت مرقد امامان شیعه خود در سرزمین عراق، باعث می‌شد آن‌ها بدون در نظر گرفتن وضعیت موجود و علی‌رغم

همه مشکلات، خود را به عتبات عالیات برسانند. در برخی موارد که روابط ایران و عثمانی تیره می‌شد، دولت ایران سعی می‌کرد از ورود کاروان‌های زیارتی به عتبات عالیات جلوگیری کند. دولت ایران در نامه مورخ چهارم ربیع الثانی سال ۱۲۹۴ هجری به سفارت انگلیس، اظهار می‌کند که به مدت چهار سال است که عزیمت زائران را به عتبات قدغن کرده است. در این نامه، وزارت خارجه ایران چنین بیان می‌دارد

... به قدری با زوار ایران در خاک عثمانی بدرفتاری و به حقوق آن‌ها و عهدنامه‌ها بی‌اعتنایی شده که دولت ایران مورد طعن ملت خود گردیده است. سال‌های طویل امنیت آن‌ها را از دولت عثمانی با اصرار خواهش نموده ولی به هیچ وجه ثمری نبخشیده ... حالت آن‌ها به جایی رسید که خون و مال و جان و عرض و ناموس زوار در آن مملکت به هدر بود. آخر الامر دولت ایران به ملاحظه این‌که دید بر خواهش و اصرار ثمری مترتب نشده، برعکس نتیجه می‌بخشد و خواست هیأت مودت و صفوت خود را هم با دولت عثمانی تغییر نداده، پاس دوستی را بدارد، لاعلاج رعایای خود را از رفتن به زیارت منع نموده که حال چهار سال است به کلی از زیارت محروم مانده‌اند...

در پایان این نامه، از انگلستان درخواست شده که «اگر خیر خواه دو دولت است، عثمانی را برای عمل کردن به عهدنامه‌هایی که در خصوص رعایت حقوق زوار ایرانی بین دولین بسته شده نصیحت کند». (معتمد، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۲)

فشارهای مأموران عثمانی و عشایر مسیر در حق زوار، مهم‌ترین نگرانی‌های دولت ایران در این خصوص بود. (حبیل‌المتین، ۱۳۱۱ق، سال ۸، ش ۳) دولت عثمانی حق مسلم خود می‌دانست که در امور اماکن متبرکه نظارت کند. از سوی دیگر، ایران نمی‌توانست نسبت به جان و مال زائران و شهروندان خود بی‌اعتنا باشد. از همین رو، گاهی سعی می‌کرد محدودیت‌هایی در عزیمت زوار به عراق به وجود آورد. با این حال، علاقه و اشتیاق

ایرانیان به زیارت، باعث می‌شد بسیاری از زوار به صورت قاچاقی از مرزهای مختلف وارد عراق شوند. گاهی شیوع بیماری‌های همه‌گیر نظیر وبا و طاعون، باعث ایجاد محدودیت‌هایی در مسافرت ایرانیان و حمل اموات به عتبات از سوی دولت ایران می‌شد. نمونه آن فرمان ۱۲۸۷ هجری ناصرالدین‌شاه مبنی بر منع حمل اموات به عتبات (بایگانی سازمان اسناد ملی ایران، ر، آ ۱۱۵۱، پرونده: ۸/۱۴۳) و نیز دستور ۱۲۹۱ وی در جلوگیری از مسافرت اهالی قزوین و تشکیل قرنطینه در مرز بود. (بایگانی سازمان اسناد ملی ایران، ز، آ ۱۱۵۶، پرونده: ۲۹۶۰۰۰۴۶۵)

در هر صورت، یکی از موارد جدی اختلاف میان دولتین ایران و عثمانی که از سال‌های آغازین قرن نوزدهم، باعث دل‌مشغولی دولت‌مردان دو کشور می‌شد، مسأله رفتار مأموران مرزی و دولتی عثمانی با زائران و اتباع ایرانی ساکن عتبات عالیات و نیز جنازه‌های حمل‌شده به آن‌جا بود. اعتراض به رفتار نادرست مأموران عثمانی و تعدیات عشایر عرب و کرد بر جان و مال زوار ایرانی، از موضوعاتی است که در تمام مکاتبات بین سران ایران و عثمانی دیده می‌شود و بخش بیش‌تری از اسناد مربوط به دو کشور راجع به این مسأله است. ایرانیان همواره بر این باور بودند که رفتار مأموران در حق اتباع ایرانی و به‌ویژه زائران، ناحق و ظالمانه است، از این‌رو، در هر فرصتی و مذاکره‌ای با دولت‌مردان عثمانی همواره موضوع بدر رفتاری مأموران عثمانی را به آن‌ها متذکر می‌شدند و در قراردادهای و توافق‌نامه‌ها، همواره بندهایی به این موضوع اختصاص می‌یافت. ماده دوم صلح‌نامه ارزروم اول (۱۹ ذی‌القعدة ۱۲۳۸ق) راجع به رفتار کارگزاران عثمانی با زوار و ایرانیان مسافر عثمانی بود:

با زوار ایرانی مکه مکرمه و مدینه منوره همانند زوار دیگر مناطق مانند بلاد روم معامله خواهد شد. همین‌طور با زوار عتبات عالیه مادام که همراه خود مال تجاری ندارند، نباید باج طلب شود و برای کسانی که مال تجاری همراه خود دارند، بر وجه معتاد، یعنی صدی چهار غروش اخذ مالیات

خواهد شد و اضافه بر آن چیزی اخذ نخواهد شد. در حق شاه ایران و شاهزادگان و حرم‌های آن‌ها و سایر اکابر دولت ایرانی که عازم زیارت حج و عتبات عالیات هستند، رعایت احترام خواهد شد. با تجار و دیگر اتباع ایرانی در سرزمین‌های عثمانی معامله دوستانه بر مقتضای جامعه اسلامی خواهد شد. (جودت پاشا، ۱۳۰۱ق، ج ۱۲، ص ۲۷۰-۲۷۱)

در ربیع‌الاول ۱۲۵۶ هجری، صدر اعظم ایران حاج میرزا آقاسی، طی نامه‌ای از صارم افندی سفیر دولت عثمانی در ایران خواست تا سران دولت عثمانی نسبت به حقوق زوار ایرانی عتبات عالیات و امنیت مسیر عبور آن‌ها اقداماتی را انجام دهد. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۲۵۶ق، کارتن ۱۴، پرونده ۱۸۵) دوباره اندکی بعد محمدحسین خان کارپرداز ایران، نامه‌ای به احمد چلبی سفیر استانبول در ایران نوشت و از رفتار ناشایست اعراب، اکراد و عشایر مستقر در عثمانی با زوار ایرانی شکایت کرد و از ارکان دولت عثمانی درخواست رسیدگی به مسأله را نمود. او متذکر شد که «طی یک سال راه‌زنان یکی دو هزار نفر از زوار ایرانی عازم عتبات عالیات را برهنه کرده، چندین نفر به قتل رسانده‌اند و کسی از مأموران عثمانی به این امر رسیدگی نکرده است...». (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ج ۱، ص ۱۸۵)

اگرچه در ماده دوم معاهده ارزروم دوم (۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ق)، تعهد شده بود که حقوق زوار و تجار ایرانی عازم عتبات عالیات رعایت گردد، رفتار حکام عثمانی عراق با زوار و تجار ایرانی همواره نارضایتی دولت ایران را به همراه داشت. ماده هفتم معاهده ارزروم دوم، ناظر بر تسهیل امر مسافرت زوار ایرانی به عتبات بود که همواره ایران بر آن تأکید داشت و آن ناشی از بدرفتاری مأموران عثمانی با زوار ایرانی بود. (مهندس‌باشی، ۱۳۴۸، ص ۴۵) در پنجم ذی‌الحجه سال ۱۲۶۷ هجری، حکومت ایران شکایت‌نامه‌ای دوازده‌بندی را «درباره نحوه رفتار مأمورین عثمانی با ایرانیانی که در حوالی بغداد در عبور و مرورند»، تسلیم باب‌عالی نمود. باب‌عالی نیز دستور داد در این خصوص و سایر موارد

مورد ادعای دولت ایران از جمله اخذ اجاره قبر از هزار تا دو هزار تومان از سوی مأموران عثمانی تحقیق نمایند. (BOA, A. MKT.UM, 62/39, 5 Z 1267) در رمضان ۱۳۰۳ هجری، وزارت خارجه ایران در نامه‌ای به سفارت عثمانی در تهران، خواستار اقدام عملی حکومت مرکزی با متجاسرین به اتباع ایرانی عازم عتبات عالیات شد. ماجرا از این قرار بود که مأموران عثمانی، تعداد ۱۲۰ نفر از زوار شهرهای قم و ساوه در حال بازگشت از سامرا را آزار و اذیت می‌کنند و برخی از آن‌ها در این میان کشته می‌شوند. در این نامه همین‌طور از مفتی سامرا و رئیس بلدیة به لحاظ سبب شیعیان ایرانی و حبس آن‌ها انتقاد شده بود. (BOA, Y.PRK.EŞA, 5/41, 28 N 1303) دولت عثمانی پس از استعلامی از بغداد و تحقیق محلی، این اتهام ایران را ادعایی بیش ندانست و وقوع چنین حادثه‌ای را نادرست اعلام کرد. (BOA, Y.A.HUS, 193/86)

به دنبال رفتار خشن عثمانی، دولت ایران از عزیمت شهروندان ایرانی به عراق جلوگیری نمود. اما علاقه بیش از اندازه ایرانیان به مقابر متبرکه و فشار علمای دینی، موجب شد این تصمیم از اجرا بازماند. در واقع ایران قصد داشت تا تکلیف قطعی مسأله ناامنی راه‌ها و سیاست‌های سخت‌گیرانه عثمانی، از رفتن اتباع خود به عراق موقتاً جلوگیری نماید. با اصرار مردم و علما، دولت ایران دوباره اجازه عزیمت به زوار ایرانی را صادر کرد. ایرانی‌ها از این مسأله استفاده کرده، گروه‌گروه عازم عتبات عالیات می‌شدند. این شیوه حرکت زوار بی‌نظمی‌هایی را به وجود می‌آورد. (Nasiri, 1991: 94) عزیمت قافله‌قافله ایرانیان به مناطق مقدسه، با سیاست‌های دولت عثمانی در عراق در تضاد بود. هدف دولت عثمانی، تأمین آرامش در این نواحی و انتظام بخشیدن به امور در این مناطق بود؛ لذا نمی‌توانست حرکت انبوه و گروه‌گروه و بی‌نظم اتباع و زوار ایرانی به عتبات را قبول کند. بر این اساس، احمد و فقیق افندی یک پیشنهاد هشت‌ماده‌ای را تقدیم دولت ایران کرد. او اجرای این پیشنهاد را در وهله اول به نفع آسایش ایرانیان ضروری خواند. بنابر این پیشنهاد، دولت عثمانی برخی تعهدات در خصوص تأمین آسایش و سهولت در عبور و مرور ایرانیان به خاک عراق را می‌پذیرفت. (Nasiri, 1991: 96)

یکی از نارضایتی‌های همیشگی زوار ایرانی، علاوه بر بدرفتاری مأموران عثمانی و یا ناامنی راه‌ها، اخذ رسوم گمرکی قانونی و غیرقانونی از زائران بود. همواره کنسول بغداد یا سفارت ایران در استانبول نامه‌های متعددی، مبنی بر وجوه دریافتی گمرک‌های عثمانی از ایرانیان به وزارت خارجه ایران می‌فرستاد. نمونه این عوارض گمرکی، وجهی بود که از بابت اسب‌های زوار ایرانی می‌گرفتند. بدین گونه که زواری که از ایران به خاک عثمانی می‌رفتند و در بازگشت برای خود اسب می‌خریدند، در گمرک‌های عثمانی از آن‌ها پنج لیره حق گمرک می‌گرفتند. علاوه بر این، اشیاء آن‌ها را در مرز توقیف می‌کردند. سفیر ایران در استانبول، در یکی از این نامه‌ها به دولت مردان عثمانی چنین خاطرنشان می‌سازد:

این گمرک پنج لیره که به اسب گذاشته‌اید، اولاً از مملکت شما دیگر اسب به خارج نمی‌برند و این ضرری است که به تمام رعایای عثمانی وارد می‌آید. ثانیاً سالی این قدر زوار که به عتبات عالیات می‌روند، این همه تعصبات و سخت‌گیری‌ها که در حق آن‌ها می‌نمایند، سبب قطع تردد آن‌ها می‌گردد و حال آن‌که معیشت و گذران تمام عراق عرب بسته به وجود زوار ایرانی است که هرکدام اقلماً چهل تومان خرج می‌کنند. ببینند سالی چقدر به کیسه دولت می‌رسد... (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۲۰ق، کارتن ۱۱، پرونده ۳۲)

باید اشاره کرد که بسیاری از شکایت‌های ایرانیان، نه تنها وجوه غیرقانونی و شخصی مأموران عثمانی، بلکه وجوه قانونی و مورد توافق دو دولت را نیز شامل می‌شد. یکی از نمونه‌های این شکایت‌های بی‌مورد، همان مورد فوق یعنی وجه‌الضمانی بود که از اسب‌های زوار می‌گرفتند. در ۱۳۱۹ هجری، سفارت ایران در استانبول از باب‌عالی خواست مالیاتی را که در خانقین از اسب و شتر زوار ایرانی گرفته می‌شود بردارند. باب‌عالی در جوابیه‌ای که به سفارت فرستاد، چنین بیان داشت که با این مالیات، «اشکالاتی به زوار وارد نمی‌شود. چنان چه در ولایت ارزروم نیز معمول است، حیوانات را شمرده الوان و اشکال آن‌ها را می‌نویسند و از صاحبان آن‌ها ضمانت می‌گیرند؛ اگر در مراجعت حیوانات را نفروخته و

بدون کم و زیاد آوردند فیها والا وجهی گرفته می‌شود». (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۱۹ق، کارت ۱۱، پرونده ۳۲) در هر حال، دولت ایران انتظار داشت در مقابل رسومی که اتباع آن دولت به گمرک‌های عثمانی می‌پردازند، امنیت مالی و جانی آن‌ها در سرزمین عثمانی تأمین گردد. کنسول ایران در بغداد، در نامه‌ای که به سال ۱۳۱۶ هجری به وزارت خارجه دولت متبوع خود نوشت، از ناامنی مسیر زوار ایرانی اظهار تأسف کرده، خاک عراق را «مسلخ زوار» عنوان می‌کند. او چنین می‌نویسد:

با این‌که عثمانی‌ها از هر زواری یک تومان وجه امضای تذکره و پنج‌هزار تذکره قرنطینه می‌گیرند که اجرت امنیت زوار است و علاوه بر آن بر وفق معاهدات مقدسه نیز امنیت و آسایش زوار را در عهده دارند و اسلحه زوار را در ورود به خانقین از آن‌ها گرفته، دست خالی و بدون هیچ‌گونه اسباب دفاعی به داخله خاک خودشان رها می‌کنند، در واقع کفیل جان و مال زوار می‌شوند، معذک خاک عراق عرب مسلخ زوار و مسلمانان بیچاره شده است.... این نامه در پایان یادآور می‌شود: اگر امنیت کامله حاصل نشود، دولت باید عزیمت زوار را به این سرزمین قدهن کند. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۱۶ق، کارت ۳۵، پرونده ۳۵)

فعالیت‌های خیریه و عام‌المنفعه ایرانیان در عتبات

نذورات و فعالیت‌های خیریه ایرانیان داخل و خارج عتبات عالیات در نگاه نخست، یک امر فرهنگی-اجتماعی و نیز اقتصادی به نظر می‌آید؛ با این حال، نباید جنبه‌های سیاسی آن و تأثیری را که در مناسبات سیاسی میان دولت‌های ایران و عثمانی به جا می‌گذاشت، نادیده گرفت. اسناد آرشیوی ایران و عثمانی، مملو است از گزارش‌های اهدای پول و نذورات ایرانی‌ها برای احداث راه، بیمارستان، پل و بناهایی برای آسایش و رفاه حال زوار ایرانی عازم عراق در عتبات عالیات یا مسیر منتهی به آن‌جا. علاوه بر این، دولت‌مردان یا تجار و اشخاص ثروتمند، مبالغ زیادی را برای تعمیر و گسترش زیارتگاه‌های شیعه در عتبات صرف

می‌کردند.^۱ در سال ۱۳۰۴ هجری، تاجری ایرانی از اهالی تبریز، از باب‌عالی خواست تا به او اجازه دهند پل خانقین را بازسازی نماید که تعمیر آن به دلیل هزینه فراوانش و عدم استطاعت دولت تعطیل مانده بود. باب‌عالی که در وهله اول، به دلیل مصالح سیاسی در خصوص صدور مجوز تردید داشت، پس از بررسی موضوع و اطمینان از نیت خیرخواهانه تاجر ایرانی، موافقت خود را با این درخواست اعلام کرد و به این شخص اجازه داد پلی را که هزینه پیش‌بینی شده‌اش بیش از هزار غروش بود، تعمیر نماید. نیت محمودخان تاجر، کسب ثواب و ایجاد تسهیلات برای زائران ایرانی بود که از خانقین به بغداد می‌آمدند. (BOA, I.MMS 87/3758, 16 Ca 1304)

تجار بهبهان، از شهرهای جنوبی ایران نیز در سال ۱۳۲۰ هجری چند طرح عمرانی از جمله احداث منازل برای اسکان زوار را در کوفه به انجام رسانیدند. (حبل‌المتین، ۱۳۲۰، ش ۱۹ و ۲۶) در سال ۱۳۰۶ هجری، والی کرمانشاه حسام‌الملک، عریضه‌ای در خصوص کسب اجازه عثمانی برای ساختن یک مسافرخانه برای زائران عتبات عالیات در مسیر بین خانقین و بغداد تسلیم باب‌عالی نمود. باب‌عالی به دلیل موقعیت استراتژیک محل ساخت خانه، از این جهت که نزدیک حدود است، تشخیص صدور مجوز را به تحقیقات دائره عسکریه موکول کرد. (BOA, I. MMS, 104/4447, 14 N 1306) اهدای نذورات به آرامگاه‌های امامان و تعمیر و بازسازی آنها توسط پادشاهان و رجال حکومتی، سنتی بود که از دوره صفویان رواج داشت. شاهان و دولتیان قاجاری نیز این سنت را با دقت تمام دنبال می‌کردند. محمدعلی شاه قاجار در سال ۱۳۲۵ هجری، مبلغ سیصد تومان صرف تجهیز روشنایی حرم کاظمین کرد. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۲۵ق، کارتن ۶، پرونده ۵) دوباره همین شاه در ۱۳۲۶ هجری، اجاره‌بهای کارخانه‌ای در ایران را

۱. گزارش‌های فراوانی از درخواست‌های شاهزادگان و تجار ایرانی برای بازسازی اماکن مقدسه و یا ساختن پل و بیمارستان و مهمانسرا در اسناد وزارت خارجه ایران به چشم می‌خورد. این گزارش‌ها در کتاب عتبات عالیات عرش درجات، به کوشش سیدعلی موجانی، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت، تهران ۱۳۸۹، گردآوری شده است.

وقف مصارف روشنایی روضات مقدسه نجف اشرف و کربلا کرد. (بایگانی مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۲۶ق، کارت ن ۴۰، پرونده ۷) علی اصغر امین السلطان صدر اعظم ناصرالدین شاه در سال ۱۳۲۱ هجری، هزینه لای روبی نهر حسینی کربلا را پرداخت کرد. (حبل‌المتین، ۱۳۲۱، سال ۱۱، ش ۲۰ و ۲۶) در سال ۱۳۱۹ هجری یکی از رجال ایرانی اهل ارومیه حدود نه هزار تومان هزینه طلاندازی مناره‌های حرم حضرت عباس علیه السلام را تقبل نمود. (حبل‌المتین، ۱۳۱۹، سال ۸، ش ۲۱ و ۳۷) باز در همین سال، دولت ایران بیمارستانی عمومی در کربلا احداث کرد تا به درمان زوار ایرانی بپردازد. (BOA, MV, 102/46, 22S 1319) نظیر چنین اقداماتی در دوره قاجار فراوان به چشم می‌خورد. انگیزه اصلی شاه و دولت‌مردان ایرانی از فعالیت‌های عمرانی عام‌المنفعه در عراق، تقویت مشروعیت دینی - سیاسی سلطنت قاجاریه به عنوان متولی و حامی شیعیان سراسر عالم و در نهایت کسب رضایت مردم داخل ایران بود؛ با این حال، وضع اقتصادی نامطلوب شهرهای عتبات و نبود زیرساخت‌های شهری ولایت بغداد، عامل دیگری در روی آوردن دولت‌مردان و نیز تجار ایرانی به ساخت برخی تأسیسات رفاهی بود. خدمات بهداشتی در جایی غیر از شهرهای بزرگ عرضه نمی‌شد. تنها یک بیمارستان عمومی در بغداد وجود داشت و در هیچ جای دیگر بیمارستانی دیده نمی‌شد. (لانگریگ، ۱۳۷۸، ص ۵۰۴) علمای عتبات در سال ۱۳۲۱ طی نامه‌ای از باب‌عالی خواستند با توجه به شیوع بیماری‌های مسری در این شهرها چند بیمارستان و شفاخانه بسازند. (حبل‌المتین، ۱۳۲۱، سال ۱۱، ش ۲۲) درست چند ماه پیش از این درخواست، تعداد پنجاه ایرانی در اثر بروز بیماری‌های رایج در نزدیکی مرز عثمانی جان باخته بودند. (BOA, DH. MKT, 790/43, 15 § 1321) بنابراین در یک چنین اوضاع اسفناکی، ایرانیان متمول سعی داشتند با وقف بخشی از درآمدهای خود برای احداث بناهای عام‌المنفعه، از یک طرف رضایت امامان شیعه مدفون در عتبات عالیات را به دست آورده، عملی خداپسندانه انجام دهند و از سوی دیگر، زمینه رونق و آبادانی شهرها و راه‌ها را فراهم آورند تا زوار و هم‌وطنان ایرانی دور از وطنشان از آن بهره‌مند گردند.

نتیجه

سرزمین عتبات عالیات در عراق، همواره از قرن شانزدهم تا زمان فروپاشی امپراتوری عثمانی، یکی از نقاط اتصال جامعه ایران و عثمانی و عنصری تأثیرگذار در مناسبات سیاسی دولت‌های مزبور به شمار می‌آمده است. وجود مقدس‌ترین آرامگاه‌های شیعیان در عتبات عالیات، موجب می‌شد نگاه مردم و دولت ایران همواره به این بخش از امپراطوری عثمانی بیش از سایر مناطق معطوف باشد. سالانه تعداد بی‌شماری زائران ایرانی برای زیارت این اماکن مقدس راهی آن‌جا می‌شدند که این خود منشأ پیامدهای فراوان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای هر دو جامعه ایران و عثمانی بود. عملکرد خشن و متعصبانه عمال عثمانی در ولایت بغداد با زوار شیعه، همواره زمینه نارضایتی ایرانیان را موجب می‌شد و به عنوان یکی از عوامل مهم اختلافات سیاسی میان دو دولت ایران و عثمانی در سراسر قرن نوزدهم مطرح بود. نگرش دولت مرکزی عثمانی یعنی باب‌عالی در خصوص نحوه رفتار با شیعیان با سیاست‌های اعمالی حکومت محلی ولایت بغداد تفاوت نسبی داشت؛ با این حال، در عمل سیاست‌های والیان و عمال محلی بود که به طور مستقیم تأثیر خود را بر زوار نشان می‌داد. در طول دوره قاجاریه، مذاکرات متعددی میان دولت‌مردان ایرانی و عثمانی در خصوص لزوم خوش‌رفتاری با زوار ایرانی و تسهیل مسافرت ایشان به عراق صورت گرفت که در بسیاری موارد، به انعقاد قراردادها و توافق‌نامه‌هایی نیز انجامید، با این حال، به دلیل وجود مداوم برخی عوامل تأثیرگذار مانند تعصبات مذهبی عمال محلی عراق نسبت به شیعیان و بدرفتاری آن‌ها با زوار ایرانی، در کنار عدم رعایت ضوابط قانونی توسط ایرانیان در ورود به عراق و بی‌اعتنایی به مقررات عثمانی، این اختلافات تا پایان دوره قاجاریه هم‌چنان به قوت خود باقی ماند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی و انگلیسی

۱. ادیب‌الممالک، *سفرنامه ادیب‌الممالک به عتبات (۱۲۷۳ق)*، تصحیح مسعود گلزاری، تهران: انتشارات دادجو، ۱۳۶۴.
۲. *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*، به کوشش محمدرضا نصیری، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
۳. اعتصام‌الملک، میرزاخانلرخان، *سفرنامه*، تصحیح منوچهر محمدی، تهران: شرکت سهامی خاص، ۱۳۵۱.
۴. جودت پاشا، *تاریخ جودت پاشا*، استانبول: مطبعه عامره، ۱۲۹۲.
۵. عادل، محمد، *راهنمای زوار عتبات مقدسه عراق*، تهران: کتابخانه و چاپخانه مرکزی، ۱۳۲۸.
۶. *عتبات عالیات عرش درجات*، به کوشش سیدعلی موجانی، تهران: انتشارات مجمع جهانی اهل‌بیت، ۱۳۸۹.
۷. عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات گستره، ۱۳۶۹.
۸. مشایخ فریدنی، آذرمیدخت، *مسائل مرزی ایران و عراق*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۹. *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجار*، به کوشش غلامرضا طباطبایی، تهران: انتشارات موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۳.
۱۰. معتمد، فرهاد، *روابط سیاسی ایران و عثمانی*، انتشارات اتحاد، بی‌تا.
۱۱. مهندس‌باشی، میرزاجعفرخان، *رساله تحقیقات سرحدیه*، تصحیح محمد مشیری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.
۱۲. لانگریگ، استفان همسلی، *عراق ۱۵۰۰-۱۹۰۰، تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی*، ترجمه اسدالله توکلی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۱۳. لباف، زهیر، *عراق و روابط آن با ایران*، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۵۲.
14. Hurşid Paşa, Mehmet, *Seyahetname-i Hudud*, Çevrimyazı: Alaattin Eser, Simurg Kitaoçılık ve Yayıncılık Ltd.Şti, İstanbul, 1997.
15. Nasiri, Mohammad Reza, *Nasireddin Şah Zamanında Osmanlı-İran Münasebetleri (1848-1896)*, Institute For The Study of Languages and Cultures of Asia and Africa, Tokyo, 1991.

ب) منابع آرشیوی

۱. آرشیو نخست وزیری عثمانی (Osmanlı Başbakanlık Arşivi)

- Y.PRK.EŞA: Yıldız Perakende-Elçilik ve Şehbenderlik Tahrirâtı
- İ.MMS: İrade-Meclis-i Mahsus
- DH.MKT: Dahiliye Mektubi
- A.MKT.UM: Sadaret Mektubi-Umumi Vileyaet
- MV: Meclis-i Vükela
- Y.A.HUS: Sedaret Hususi Maruzat Evrakı

۲. مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه.

۳. سازمان اسناد ملی ایران.

ج) روزنامه‌ها

۱. اختر.

۲. حبل‌المتین.